

پیش‌خواب

«از ارتش منسجم رضاخان تا ارتش قدرتمند محمدرضا پهلوی» در آینه یک پژوهش نوانشار ناتوانی و وابستگی خصال ارتش پهلویستی

■ سمانه صادقی



اثری که هم‌پنک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از عنوان آن هویداست به بازپژوهی در باره دوا‌اع‌ای «ارتش منسجم رضاخانی» و

«ارتش قدرتمند محمدرضا پهلوی» پرداخته است. آگاهان تاریخ معاصر ایران مطلعند که ایجاد ارتش نوین در دوران حاکمیت رضاخان و نیز قدرتمندسازی ارتش ایران در دوره فرزندش در زمره‌سرفصل‌های جریانات سلطنت طلب در ادوار پیش و پس از انقلاب اسلامی بوده‌است، این در حالی است که ارتش منسجم رضاخانی، بلافاصله پس از حمله متفقین به ایران تارومار شد و ارتش توانمند فرزندش نیز بدون حضور مستشاران نظامی غرب به‌ویژه آمریکا کاملاً ناتوان و فاقدایکار عمل بود. ضرورت بررسی این موضوع به شکلی جامع و مستقل می‌طلبد که در این‌باره پژوهشی مسب‌وط و ناظر به اسناد صورت گیرد. از ارتش منسجم رضاخان تا ارتش قدرتمند محمدرضا پهلوی (واکاوی دوا‌عا)، از س‌وی حسین م‌ولایی تألیف شده و پژوهشکده تاریخ معاصر ایران آن را منتشر ساخته است. تارنمای ناشر در باب مضمون و محت‌وای این کتاب اش‌ارت به نکات ذیل را ضروری دانسته است:

«کتاب از ارتش منسجم رضاخان تا ارتش قدرتمند محمدرضا پهلوی (واکاوی دوا‌عا)، به قلم حسین م‌ولایی به همت انتشارات پژوهشکده تاریخ معاصر منتشر و راهی بازار کتاب شد. در رأس اقداماتی که به رضاخان نسبت داده می‌شود و البته خود او نیز به‌شدت بدان اصرار و تأکید داشت، اد‌عای ایجاد اولین ارتش متحد و منسجم در تاریخ معاصر ایران است. البته بی‌نیاز از تذکار است که بعدها، حمله



➤ رضاخان در کنار فرزندش و برخی ا‌مرای ارتش

متفقین و انحلال ارتش و فرار نظامیان، ضربه‌ای کاری به این اد‌عا وارد کرد. با وجود این شکست، بعدها خاندان پهلوی کوشید تا با توسل به نا‌گهانی بودن حمله ۳ شهریور ۱۳۲۰، ضعف تسلیحاتی ایران در مقابل متفقین و نبود امکان مقاومت آنچه رادر شهریور ۱۳۲۰ رخ داد، توجیه کند و برای ارتش پهلوی دوم نیز توصیفاتی مانند پنجمین ارتش دنیا، بزرگ‌ترین نیروی دریایی خلیج فارس، پیشرفته‌ترین نیروی هوایی خاورمیانه و... مطرح سازد. با توجه به این اد‌عاها، حسین م‌ولایی در کتاب از ارتش منسجم رضاخان تا ارتش قدرتمند محمدرضا پهلوی با بررسی انتقادی دو روایت یاد شده به سراغ تا‌کار اد‌امی مسلخ‌تاری، فقدان تجربه ر‌زمی و انک‌ای گسترده به نمایش‌های نظامی و آمارهای وارداتی رفته است. در فصل نخست این کتاب نکات بی‌امده مورد بررسی قرار گرفته است: فقدان سیستم مناسب جذب نیرو در ارتش/عدم استقلال سازمانی ارتش/وظایف غیر تخصصی و فقدان تعهد مشترک/ فقدان قواعد مشخص برای ارتقا و تنبیه/نبود قوانین و آیین‌نامه‌های سراسری و سطح نازل آموزش‌های نظامی. در فصل دوم این پژوهش، نکات بی‌امده مورد بررسی قرار گرفته است: ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه ارتش/عدم شکل‌گیری اعتماد متقابل میان شاه و ا‌مرای نظامی/اختلاف بین نظامیان ارتش/ عدم حمایت مردمی از ارتش و ترویج برنامه‌های ضدذهبی در میان نظامیان. در فصل دوم این تحقیق، نکات بی‌امده مورد بررسی قرار گرفته است: بودجه نظامی ارتش محمدرضا پهلوی/تعداد نیروهای نظامی ارتش پهلوی دوم/توان تسلیحاتی و لجستیک ارتش پهلوی دوم/تأثیر تأثیر گذار بر قابلیت تبدیل/ عوامل نظامی تأثیر گذار بر قابلیت تبدیل و عوامل غیرنظامی تأثیر گذار بر قابلیت تبدیل جهت تهیه این کتاب به فروشگاه پژوهشکده تاریخ معاصر در فضای مجازی با مرکز پخش کتاب‌های این پژوهشکده در تهران و شهرستان‌ها مراجعه نمایند.»

عاریخ

تاریخ ۱۳۶۰-۸۸۵۲۳



روابط ایران و واتیکان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با نگاهی به خاطرات سفرای جمهوری اسلامی در این کشور

واتیکان روابط با ایران را براساس انگاره‌های غرب تنظیم می کند

■ یاسر عسگری*

تاریخچه و فراز و فرودهای ارتباط دیپلماتیک جمهوری اسلامی یا واتیکان از جمله موضوعاتی است که کمتر مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. مقال پیی آمده درصدد است که با بررسی ادوار این رابطه و نتایج هر دوره نتیجه‌ای شفاف از آن به دست دهد؛ امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **آغاز روابط سیاسی ایران و واتیکان**

ایران و واتیکان به صورت رسمی، روابط خود را از اسفند سال ۱۳۳۲ آغاز کردند و سفارتخانه‌های دو کشور در تهران و واتیکان رسماً افتتاح شدند. روابط دو دولت تا پیروزی انقلاب اسلامی، بدون چالش و عمدتاً به شکل تشریفاتی ادامه داشت. حسنعلی کمال هدایت، محمد ساعد مراغه‌ای، انوشیروان سپهبدی، حسین قدس نخعی، خسرو هدایت، مهدی وکیل فریدون دبیا، سفرای ایران در واتیکان تا پیروزی انقلاب اسلامی بوده‌اند. آخرین دیدار رسمی مقامات واتیکان و رژیم‌پهلوی به ملاقات محمدرضا شاه و پاپ ژان پل ششم در تهران آن هم در توقف شش ساعته به هنگام سفر هوایی پاپ به فیلیپین برمی گردد.

انقلابیون مسلمان ایرانی در دوره مبارزه با رژیم پهلوی، سکوت کشورهای غربی و از جمله واتیکان را دیده بودند و از اینکه نماد مسیحیت در حال حاضر، استقلال رای سیاسی ندارد، بدون خوشبین نبودند. اینان معتقد بودند اگر حضرت عیسی(ع) در دوره معاصر حاضر بود، به مبارزه با نظام سرما به‌داری و کمونیستی و صهیونیستی به سرکردگی آمریکا و شوروی می پرداخت و در مقابل ظلم و ستم و استثمار این کشورها ساکت نمی‌نشست.

■ **دوره اول، تنش‌ها و منازعات سیاسی (۱۳۶۹-۱۳۶۰)**

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، رژیم دست نشانده آمریکا در منطقه غرب آسیا تغییر کرد. با تسخیر سفارت امریکا در تهران در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸- که از س‌وی انقلابیون و رسانه‌های‌شان، «لنا جاسوسی» قلمداد می‌شد- واتیکان تحت فشار آمریکا وارد این منازعه شد و پاپ ژان پل ششم، نماینده‌ای برای دیدار با امام خمینی اعزام کرد. در یک مرحله تعدادی از کشیشان و در مرحله دیگر هیلاریون کاپوچی، اسقف اسبق بیت‌المقدس، نماینده اعزامی و واسطه پیام پاپ به امام شدند و درخواست آزادی گروگان‌های امریکایی را مطرح کردند. امام و انقلابیون از اینکه پاپ و واتیکان، به نفع ایالات متحده در این زمینه ورود می کنند و خواستار آزادی گروگان‌ها می‌شوند، معترض و دلخورند. شاید بتوان گفت این دوره، دوره تنش بین روابط ایران و واتیکان بود که بیشتر به دلیل همراهی و همسویی واتیکان با کشورهای غربی و حوادث دوران انقلاب پیش آمده بود. ابهام واتیکان درباره وضعیت و آینده اقلیت‌های دینی - به ویژه اقلیت‌های مسیحی - در ایران پس‌انقلاب هم، اگرچه بیشتر یک بهانه تلقی می‌شد، اما بی تأثیر نبود.

از ابتدای سال ۱۳۶۰، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی(۱۳۹۸-۱۳۱۷) که یک شخصیت انقلابی، تقریبی و امت‌گرا بود و پیش‌تر نمایندگی امام خمینی در وزارت فرهنگ و تبلیغات را بر عهده داشت، به عنوان اولین سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان و نماینده امام، عازم رم و واتیکان شد. خسروشاهی همسو با جامعه و مسئولان انقلاب کشور تلاش داشت تا صدای رسای انقلاب اسلامی

در واتیکان و اروپا باشد. او با توجه به صبغه و سابقه فرهنگی پررنگی که داشت، در رم مرکز اسلامی تأسیس کرد و به نشر آثار و اندیشه رهبران فکری انقلاب و متفکران اسلامی معاصر پرداخت. به گفته وی، حدود ۱۸۰ کتاب و کتابچه و رساله در این مدت، از سوی این مرکز اسلامی به زبان‌های انگلیسی، عربی، ایتالیایی، فرانسوی و... منتشر شدند. توجه به نوع و گستره فعالیت‌های خسروشاهی، همگان را به این نتیجه رساند که او بیش از اینکه سفیر دولت جمهوری اسلامی باشد، به عنوان نماینده تام‌الاختیار امام و سخنگوی انقلاب اسلامی در اروپا عمل کرده و علاوه بر سفارت، مسئولیت رایزنی فرهنگی در ایتالیا و فراتر از آن در اروپا را به انجام رسانده است! خسروشاهی در یادداشت‌هایی که در ایام حضورش در واتیکان و در برخی خاطراتش که تحت عنوان «واتیکان، دنیای اسلام و غرب» منتشر کرد، می‌نویسد که نسبت به بی‌تفاوتی واتیکان در ماجرای جنگ عراق با ایران و حمایت‌های کشورهای اروپایی از عراق، منتقد است. وی از به رسمیت شناخته شدن رژیم‌صهیونیستی از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است. او به همسویی سیاست‌های واتیکان با کشورهای ظالم غربی انتقاد می‌کند و سیاست‌های آمریکا و انگلستان را از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است. او به همسویی سیاست‌های واتیکان با کشورهای ظالم غربی انتقاد می‌کند و سیاست‌های آمریکا و انگلستان را از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است. او به همسویی سیاست‌های واتیکان با کشورهای ظالم غربی انتقاد می‌کند و سیاست‌های آمریکا و انگلستان را از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است. او به همسویی سیاست‌های واتیکان با کشورهای ظالم غربی انتقاد می‌کند و سیاست‌های آمریکا و انگلستان را از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است.

او به همسویی سیاست‌های واتیکان با کشورهای ظالم غربی انتقاد می‌کند و سیاست‌های آمریکا و انگلستان را از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است. او به همسویی سیاست‌های واتیکان با کشورهای ظالم غربی انتقاد می‌کند و سیاست‌های آمریکا و انگلستان را از سوی واتیکان و سکوت آنان در قبال جنایات این رژیم اشغالگر در فلسطین و لبنان نیز معترض است.

■ **دوره اول، تنش‌ها و منازعات سیاسی (۱۳۶۹-۱۳۶۰)**



➤ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی عبدخدایی

دکتر محمدهادی عبدخدایی در دیدار با پاپ، خطاب به وی گفت: «ما واتیکان را محور دنیای کاتولیک می‌شناسیم. از طرفی ایران هم کشوری اسلامی است که از موقعیتی ویژه و نفوذی فراوان در میان مسلمانان بر خوردار است. این دو دولت به خوبی می‌توانند، مردم جهان را به ایمان و اخلاق الهی هدایت کنند و در زمینه صلح جهانی، جلوگیری از فساد و حمایت از محرومان، همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند»

مکتب عقلانی و ظلم ستیز اهل بیت(ع) است و از سوی دیگر در برقراری پیوند میان انقلابیون ایران و دیگر جریانات و گروه‌ها نهضت‌های اسلامگرا و همچنین مراکز اسلامی مستقر در اروپا تلاش ویژه‌ای می‌کند. خسروشاهی می‌گفت: «بی تردید انتظار ما از پاپ آرژان آل دوم به عنوان نماینده مسیحیت عصر ما آن بود که در کنار ملت‌ها باشد و از حقوق همه انسان‌ها دفاع کند و منظور که از یهودیان - برادر بزرگ - عذرخواهی کرد از مسلمانان نیز به خاطر جنگ‌های صلیبی و قتل عام مسلمانان یوزش بخواند، اما او نه تنها چنین نکرد، بلکه همچنان گذشته در کنار حاکمیت زور و زور قرار گرفت و تجسم عینی تزویر نوین را از خود به یادگار گذاشت!». اسناد خسروشاهی، درباره موضع‌گیری واتیکان در قبال ایران اسلامی نیز حاکی از این است: «موضع‌گیری‌های دستگاه پاپی و دولت واتیکان در قبال انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران به طور طبیعی در چارچوب سیاست‌های کلی و محافظه کارانه متقابل به غرب شکل می‌گیرد. واتیکان به دنبال این است که فرستاده ویژه پاپ برای آزادی به مثابه یک انقلاب عمیقاً مذهبی، تعریف و تمجید نکرده است. کنش‌های وحشیانه رژیم شاه، هرگز به طور صریح از سوی پاپ محکوم و تقبیح نشده است... ولی ناگهان می‌بینیم که فرستاده ویژه پاپ برای آزادی جاسوسان امریکایی - که از سوی مردم ما اسیر شده بودند- به سرعت به حرکت در می‌آید و راهی قم می‌شود و امام، طبق فرموده خود به احترام مقام پاپ، نماینده او را می‌پذیرد».

به صورت خلاصه می‌توان گفت که انقلاب اسلامی، نوا بود و بلافاصله درگیر جنگ طولانی و طاقت‌فرسا با رژیم بعث عراق و حامیان غربی و عربی‌اش شده بود و مجامع در میان مسلمانان جهان آغاز شد. این دو دولت به بودند از سویی سطح انتظارات رهبران و انقلابیون ایران از واتیکان به عنوان یک مرکز دینی، سیاسی و بین‌المللی با یاد و از سوی دیگر، سیاست خارجی واتیکان نیز به یک نقش سفیر بسیار مهم است و خسروشاهی سفیر انقلاب و امام بوده‌ن تنها دولت‌حتی برخی فعالیت‌هایی که او در عرصه‌های فکری، فرهنگی و رسانه‌ای و حتی ارتباطات و تعاملاتی با چهره‌های مختلف داشت، منتقدانی هم در داخل و دستگاه دیپلماسی پیدا کرده بود و کمترین اعطاف و افتتاحی از سوی او و دیگر سفرای ایران پذیرفته نمی‌شد! اگر برای نقش سفیر، ارزش و اثر گذاری مجزایی قائل باشیم، شاید بتوان گفت که فرق خسروشاهی با بقیه سفرای ایران در واتیکان این بود که از لحاظ شخصیتی شجاع، جسور، رسک‌پذیر و از جهت فکری، استقلال رای داشت. او خودش را صاحب‌نظر می‌دانست و دست به اقدامات ابتکاری می‌زد. دیگران همگی در قامت سفیر مغضول به فعالیت بودند و مناسبات می‌دانست و دست به اقدامات ابتکاری می‌زد. دیگران می‌کرد، او محدودیت‌های ناشی از اقتضات سفر تاخته‌ها را کمتر می‌پذیرفت و تلاش داشت چهره جدیدی از سفیر و سفارتخانه یک کشور اسلامی و انقلابی در کشورهای اروپایی ارائه دهد.

■ **دوره دوم، آرامش و گفت‌وگوهای کلّامی و تمدنی (۱۳۸۵-۱۳۷۰)**

پس از فروپاشی بلوک شرق و تحولات بین‌المللی متأثر از آن و همچنین تثبیت جمهوری اسلامی، تغییر

د

می‌توان گفت تفاوت خسروشاهی با بقیه سفرای ایران در واتیکان این بود که از لحاظ شخصیتی شجاع، جسور و ریسک‌پذیر و از جهت فکری، دارای استقلال رای بود. او خویش را صاحب‌نظر می‌دانست و دست به اقداماتی ابتکاری می‌زد. دیگران در قامت سفیر مشغول به فعالیت بودند و انتظارات متعارف و حداقلی را رعایت می‌کردند، ولی او فراتر از این حد، در قامت نماینده امام و حتی تشیع در واتیکان و اروپا فعالیت می‌کرد

➤ حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی در دیدار با پاپ ژان پل دوم

سیاست خارجی در دوره جدید (ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی) و حاکم شدن رویکرد تنش‌زدایی در عرصه بین‌المللی و تعامل بیشتر با کشورها، نهاده‌ا و سازمان‌های بین‌المللی باعث شد که دوره جدیدی از روابط ایران و واتیکان را شاهد باشیم، دوره‌ای که با انتخاب حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مسجدجامعی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان همراه می‌شود. مسجدجامعی درباره تحولات بین‌المللی دهه ۱۹۹۰ میلادی، آورده است: «(حوادث) دهه ۹۰ و مخصوصاً نیمه نخست، آن‌را از سایر دهه‌های قرن بیستم، حداقل از لحاظ دینی/اجتماعی/سیاسی متمایز می‌سازد و دوران مأموریت‌م در واتیکان، در همین ایام بود. شرایط آن زمان و نیز ویژگی‌های کشور و نظام و سیاست خارجی ما به همراه علاقه شخصی و زمینه‌های مطالعاتی ام ایجاب می‌کرد که با گروه‌های مختلف در ارتباط مداوم، فعال و همدلانه باشم و در عمل نیز چنین بود.» مسجد جامعی که رویکرد اصلاحی و اعتدالی داشت، ذیل سیاست‌های کلان دولت مستقر، تجربیات جدیدی برای روابط ایران و واتیکان رقم زد،

خاطرات و فعالیت‌هایش در دوره سفارت و بعدها مدیرکل فرهنگی وزارت خارجه در کتاب‌های «از شمال آفریقا تا واتیکان» و «گفت‌وگوهای دینی اسلام و مسیحیت» انعکاس یافته که خواندنی است. در این دوره، گفت‌وگو‌های کلّامی بین اسلام و مسیحیت آغاز می‌شود و در زمره چهره‌های شاخص منقطع و تعاملی و پذیرش مناسبات دیپلماتیک و رسمی بین‌المللی، فرصت‌های جدیدی پیش روی رهبران نظام در تعامل با واتیکان و بخش زیادی از جامعه مسیحیان می‌گذارد. البته سقوط بلوک شرق و رشد جریان اسلامگرایی به عنوان یک قدرت نوظهور و خطرات احتمالی آینده نیز در این امر دخیل بود. شاید واتیکان هم در یافته‌های جمهوری اسلامی ایران، یاد به‌گو‌های دیگر و متمایز از دیگر کشورهای اسلامی تعامل کند و با توجه به موقعیت‌الگویشی استقلال و مقاومت ایران برای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان، حساب ویژه‌ای برای ایران باز نماید.

در دوره سفارت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی عبدخدایی، شخصیت شناخته شده حوزه علمیه مشهد نیز همین رویکرد دنبال شد، اگرچه او رویکرد کلّامی و اعتقادی پررنگ‌تری داشت. کتاب خاطرات وی از ایام سفارتش در واتیکان، یعنی «خاطر‌ها از واتیکان و سنت پتر»، گویای همین مسئله است. عبدخدایی در دیدار با پاپ، خطاب به وی می‌گوید: عبدخدایی در محور دنیای کاتولیک می‌شناسیم. از طرفی، جمهوری اسلامی هم یک کشور اسلامی است که از موقعیتی ویژه برخوردار است و نفوذ فراوانی در میان مسلمانان جهان دارد. این دو دولت به خوبی می‌توانند که مردم جهان را به ایمان الهی و اخلاق هدایت کنند و در زمینه صلح جهانی و پیشگیری از جنگ، جلوگیری از فساد و حمایت از مستضعفان، همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند.» وی در گفت‌وگوهایی که با مقامات واتیکان داشته، بر تقویت همکاری با این مرکز دینی بین‌المللی تأکید کرده است، از جمله در گفت‌وگو با کاردنال سیگولسترزی، رئیس مجمع کلیساهای شرق و وزیر خارجه سابق واتیکان می‌گوید: «خوشبختانه در موقعیت کنونی، گرایش جهان به دین بیشتر شده و بی‌دینی و اتحاد محکوم به شکست شده است و ما در این رابطه به خوبی می‌توانیم همکاری کنیم.

از جمله در موضوعاتی مانند اخلاقیات، صلح و عدالت، پیشگیری از اختلافات طبقاتی، حمایت از خانواده، کمک به مستضعفان جهان، پیشگیری جدی از جنگ‌های منطقه‌ای و...»

در دوره بعد، این رویکرد از سوی حجت‌الاسلام دکتر مصطفی بروجردی (چهره حوزوی و دانشگاهی علوم سیاسی خواننده) نیز ادامه می‌یابد و خلاصه اینکه در دوره حضور این دو سفیر چون دولت اصلاحات حاکم و نگاه به غرب در اولویت سیاست خارجی است و شعار «گفت‌وگو تمدن‌ها» مطرح می‌شود، گفت‌وگوهای بین‌الادیانی ضریب خاصی می‌گیرد و رفت‌وآمدها، گفت‌وگوهای علمای دانشگاهی و حوزوی ایران با دنیای مسیحیت و علمای آن بیشتر می‌شود. بعد از بروجردی، محمدجواد فرینزاده - که در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، ریاست مرکز گفت‌وگو تمدن‌ها را بر عهده داشت - سفیر ایران در واتیکان می‌شود. در این سال‌ها

۹ ج‌وان | شماره ۲۴۶

هم ایران و هم واتیکان سعی کردند با پذیرش برخی مسائل و محدودیت‌ها به فرصت‌های پیش روی جهت همفکری و همکاری ببیند.بشید و از منازعات سیاسی و کلّامی فاصله بگیرند، اگرچه در سال‌های اولیه این دوره گفت‌وگوهای کلّامی پررنگ‌تر بودند و در سال‌های پایانی این دوره، گفت‌وگوهای اجتماعی و فرهنگی، یعنی در مرحله نخست، مسائلی چون: خداآوری، عدالت و اصول اعتقادی مشترک از دیدگاه اسلام و مسیحیت در گفت‌وگوها مطرح می‌شد و کم‌کم مسائلی چون جهانی شدن، ابتدال اجتماعی، بحران محیط‌زیست، حقوق بشر، حقوق زنان، سقط جنین و... محورهای گفت‌وگوهای اندیشمندان شیعی و کاتولیک را تشکیل می‌داد. گفت‌وگوهای رسمی اسلام و مسیحیت کاتولیک، یکی از محورهای گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی ایران و واتیکان بود. این گفت‌وگوها که از حدود سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۳ آغاز شده و سپس متوقف شده بود، در بهمن ۱۳۷۸ دوباره برقرار شد. در این گفت‌وگوها علاوه بر آشنایی با نظرات طرفین، موضوع تبادل دانشجو و امکان تأسیس کرسی‌های دانشگاهی مطالعات دینی مسیحیت و اسلام مورد بحث قرار گرفت و بر لزوم برنامه‌ریزی بیشتر جهت همکاری‌های آینده تأکید شد. در این گفت‌وگوها همچنین موضوعاتی نظیر «کثرت گرای دینی» و نیز «حقوق اقلیت‌های دینی» در اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار گرفت.

■ **دوره سوم، سرد گرمی و بی‌نامگی (۱۳۸۵ تاکنون)**

در سالیان پایانی دوره اصلاحات و پررنگ شدن مسائلی چون اختلافات طبقاتی، تبعیض‌ها و سرخوردگی از منازعات و دعوای سیاسی در ایران و اقبال توده‌های مردم به عملگرایی در حوزه اجرایی و دیپلماسی خارجی، روابط با واتیکان اهمیت خاص خود را از دست داد و بیشتر یک امر تشریفاتی دینی- بین‌المللی با کارکردهای محدود تلقی شد. علاوه بر این سیاست‌های خصمانه دولت‌های غربی علیه ایران و تحریم‌های بین‌المللی، نقش برجسته‌ای در کاهش این روابط داشت و واتیکان نیز به جهت همراهی و همسویی با غرب، تمایل چندانی به گسترش روابط با ایران نداشت. به نظر برخی محققان «دغدغه واتیکان بیشتر ناظر به تصویری بود او هست است که از ایران در صحنه بین‌المللی، اروپایی و غرب ارائه شده بود او می‌شود. به هر حال واتیکان به‌دلیل تلاش‌های خود برای اروپایی شدن و حتی اگر هم بخواهد- نمی‌تواند از آن فراتر برود.» از شمال آفریقا تا واتیکان، ص ۱۸)

مناسفانه اغلب افرادی که در این دوره به عنوان سفیر اعزام شدند، در زمره چهره‌های شاخص ایران فرهنگی یا حوزوی نبودند و نتوانستند در فضای ایران هراسی، کار خاصی انجام فضای روابط موجود را تغییر دهند. تلاش دولت برای رفع تحریم‌ها، در اولویت بود و مشخص بود که دیگر روابط با واتیکان، برای سیاست خارجی دولت‌های آقایان احمدی‌نژاد و روحانی اولویت ندارد! شاید این برداشت کمی بدبینانه به نظر برسد، ولی تأملی در ویژگی‌ها، سوابق و جایگاه سفرای اعزامی در این دولت‌ها و طی ۱۶ سال نشان داده که دیگر واتیکان جایگاه ویژه‌ای برای دستگاه دیپلماسی سیاسی- فرهنگی ایران ندارد. در این برهه، بعضاً بازتنش‌نگان و از او خارج شدگان مجلس و مسولیت‌ها به سمت سفیر واتیکان منصوب می‌شدند! شاید یک دلیل مهم این امر فقدان طرح و برنامه برای برقراری روابط با واتیکان بود و همین باعث شد شاهد سر و گرمی بی‌برنامگی دولت‌ها در این زمینه باشیم.

علاوه بر این نباید از تحولات بین‌المللی، انتصاب پاپ بندیکت ششم و مواض خاص او در زمینه جهان اسلام غافل شد. پاپ بندیکت ششم، شاید یک تنه و به اندازه یک قرن، روابط بین واتیکان و جهان اسلام را تخریب کرد و همچون شخصیت‌های متعصب و مغف‌ور قرون وسطایی، فرصت هر نوع همکاری و همفکری با جهان اسلام را گرفت و بسترها و زمینه‌ها ایجاد شده برای تعمیق روابط با واتیکان را بر باد داد! او نگاه خویش‌بینانه‌ای به روابط با دیگر ادیان، به ویژه مسلمانان نداشت و از قصد و یا بر نامه با اعلام جنت‌های اش، واکنش‌های جهان اسلام را برمی‌انگیخت. اگرچه رفتن او و انتخاب اسقف آرانتینی به منصب پاپی، امیدهای زیادی را ایجاد کرد، ولی متأسفانه همان بی‌برنامگی و فقدان طراح‌ی باعث شد که همچنان به درستی از فرصت‌ها استفاده نشود. اگرچه در اواخر دولت آقای رئیسی تلاش شد تغییری در فضای این روابط ایجاد شود و چهره فرهنگی و علمی با تجربه به تری، به واتیکان اعزام شود.

منابع:

- محمد مسجدجامعی، *از شمال آفریقا تا واتیکان؛ خاطرات دوران سفارت محمد مسجدجامعی*، به کوشش حسن علی‌یوسفی، حسن، منصوره حقیقی و محمد قدس، چاپ دوم (ویرایش جدید و اضافات)، ۱۳۹۶، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمد مسجدجامعی، دین و هویت در جهان امروز، چاپ اول، ۱۴۰۰، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سیدهادی خسروشاهی، واتیکان، دنیای اسلام و غرب، چاپ اول، ۱۳۸۰، قم: انتشارات کلبه شروق و نشر سماط.
- محمدهادی عبدخدایی، *خاطر‌ها از واتیکان و سن پتر؛ جهان مسیحیت و غرب را بهتر بشناسیم*، چاپ اول، ۱۳۹۹، مشهد: انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- مصطفی بروجردی (گردآوری و تنظیم)، واتیکان (کتاب سبز)، چاپ اول، ۱۳۸۰، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

❖ **پژوهشگر تاریخ معاصر**